

همبستگی مردم لبنان و غزه با خیزش اجتماعی در ایران

این روحیه همبستگی کجا و شعار نفرت انگیز "نه غزه، نه لبنان..."
جانم فدای ایران..." کجا

حماد شیبانی



این روزها در تجمعات مردمی لبنان و عراق، پلاکاردها و شعارهایی در حمایت از جنبش ستم دیدگان و توده های بپاخاسته ایران مکرراً شنیده و دیده میشود. بسیاری از تحلیلگران سیاسی که همراهی با مردم هستند، در رسانه ها بر پیوند پایه ای و انترناسیونالیستی با جنبش ایران تأکید می‌ورزند. آنها به مردم خود ضرورت فاصله گذاری در شعارها در رابطه با (مردم ایران) و جمهوری اسلامی ایران را تذکر می‌دهند. این روحیه همبستگی کجا و شعار نفرت انگیز: "نه غزه، نه لبنان..." جانم فدای ایران..." کجا. روحیه ای در تضاد کامل با سیاست‌های توسعه طلبانه رژیم، که باعث تفرقه و جدایی بین مردمان منطقه شده است.

روزنامه لبنانی "الانباء" ارگان مرکزی حزب سوسیالیست پیشرو (طایفه دورزی - ولید جنبلات مخالف کنونی ائتلاف حاکم) نوشته ای را به نقل از روزنامه "المانیتور" درباره تأثیر تظاهرات مردم ایران در سیاست خارجی حکومت اسلامی در ایران منتشر کرد. نویسندگان این مقاله حمیدرضا عزیز، استادیار مطالعات منطقه ای در دانشگاه شهید بهشتی و عضو شورای علمی پژوهشگاه اوراسیا و مطالعات ایران در تهران، است.

نویسنده در ابتدای مقاله خود از تصمیم تهران مبنی بر افزایش قیمت بنزین، که موج اعتراضاتی قوی و تقریباً سراسری را در ایران برانگیخت، صحبت می‌کند. او ادعا می‌کند که اگرچه دولت ایران توانست جنبشهای مردمی را (جمع کند)، اما هم اکنون بحثهای زیادی درباره این جنبش همچنان مطرح است و بحثها موضوعاتی از قبیل علل بروز اعتراضات تا نتایج آن با توجه به تأثیر احتمالی در سیاست

خارجی ایران را در بر می گیرد، به عنوان مثال، این که، دولت آمریکا معتقد است که آنچه در ایران رخ داده اثبات این مدعاست که کارزار فشار شدید دونالد ترامپ بخوبی کار می کند و مردم ایران را در برابر سیستم سیاسی حاکم قرار داده است.

نویسنده الانباء ادامه م یدهد:

نمایند و ویژ ایالات متحده در امور ایران "برایان هاوک" نیز ضمن ابراز خوشحالی کشورش از اعتراضات در ایران تأکید کرد که حداکثر فشار ادامه خواهد یافت. ترامپ و "مایک پومپئو" وزیر امور خارج آمریکا نیز دربار این تظاهرات اظهار نظر کرده اند.

اتحادیه اروپا از دولت ایران خواسته است که "در برخورد با اعتراضات" حداکثر خویشتن داری را رعایت کند، در حالی که آلمان و فرانسه از اوضاع ایران بشدت ابراز نگرانی کرده اند. در پاسخ به این اظهارات، عباس موسوی سخنگوی وزارت امور خارج ایران، تحادیه اروپا را به مداخله در امور داخلی ایران متهم کرد و تعهدات اروپا در توافق هسته ای (!؟) را به آنها یادآور شد.

نویسنده (حمیدرضا عزیزی) مدعی است "حمایت از تظاهرکنندگان این روایت حکومت اسلامی ایران را برجسته می کند که هدف واقعی ایالات متحده از طریق کمپین فشار این نیست که ایران را به سمت میز مذاکره سوق دهد بلکه انگیزه اش "تغییر رژیم" در ایران است، بنابراین هیچ شکلی از تعامل دیپلماتیک با آمریکا به ثمر نخواهد رسید. به قول حمید رضا عزیزی، ایران به اجرای سیاست "مقاومت (کذا) حداکثر" ادامه خواهد داد.

مقاله ادامه چنین می دهد که از سوی دیگر، احمد خاتمی، عضو مجلس خبرگان، اظهار داشت که فرانسه و آلمان، ایالات متحده را در مواضع مربوط به اعتراضات (مردمی) همراهی می کنند. به گفت آقای عزیزی، اعتراضات اخیر بر سیاست منطقه ای ایران نیز بازتاب خواهد داشت، بویژه به موازات ادام اعتراضات در عراق و لبنان، جایی که ایران معتقد است برخی قدرتهای خارجی سعی در تضعیف ایران و متحدان منطقه ای آن دارند.

حمید رضا عزیزی، در نوشت خود به این نتیجه رسیده است که تظاهرات اخیر می تواند منجر به تحکیم روابط ایران با روسیه شود و گویی از زبان سخنگوی دولت اسلامی حاکم بر ایران، تهدیدها صادر می کند و می گوید شرایط کنونی مواضع ایران در قبال غرب و رقبای منطقه ای آن

را تحت تأثیر قرار خواهد داد و روابط آن را با شرکای فعلی خود تقویت خواهد کرد.

وقایع اخیر لبنان (تلاشهای دو سه روز گذشته) بسیجیهای امل و حزب الله که بارها در جای جای این کشور دست به آشوبهای جنون آمیز زده اند) و نیز جنبش مردمی در عراق - که دولت ایران در هر دو مورد حامی کاربرد خشونتهای مرگبار علیه نیروهای انقلابی و معترضین خیابانی شده است - دخالت جمهوری اسلامی را در پیگیری سیاستهای آن مبتنی بر تشنج آفرینی و دخالت توسعه طلبانه، با اتکاء به روابطش با روسیه، آشکار می کند و چهره واقعی آنرا در جنگ نیابتی جاری در منطقه، میان طرفهای امپریالیستی و ارتجاعی و به زیان خلقهای مبارز و به جان آمدن خاورمیانه را، روشنتر می کند.

در برابر این مواضع دشمنانه، این روزها در تجمعات مردمی لبنان و عراق پلاکاردها و شعارهایی در حمایت از جنبش ستم دیدگان و توده های بپاخاسته ایران شنیده و دیده می شود. بسیاری از تحلیلگران همراهِ با مردم در رسانه ها به پیوند پایه ای و انترناسیونالیستی با جنبش ایران تأکید می ورزند. آنها به مردم خود ضرورت فاصله گذاری در شعارها در رابطه با (مردم ایران) و رژیم جمهوری اسلامی در ایران را تذکر می دهند.